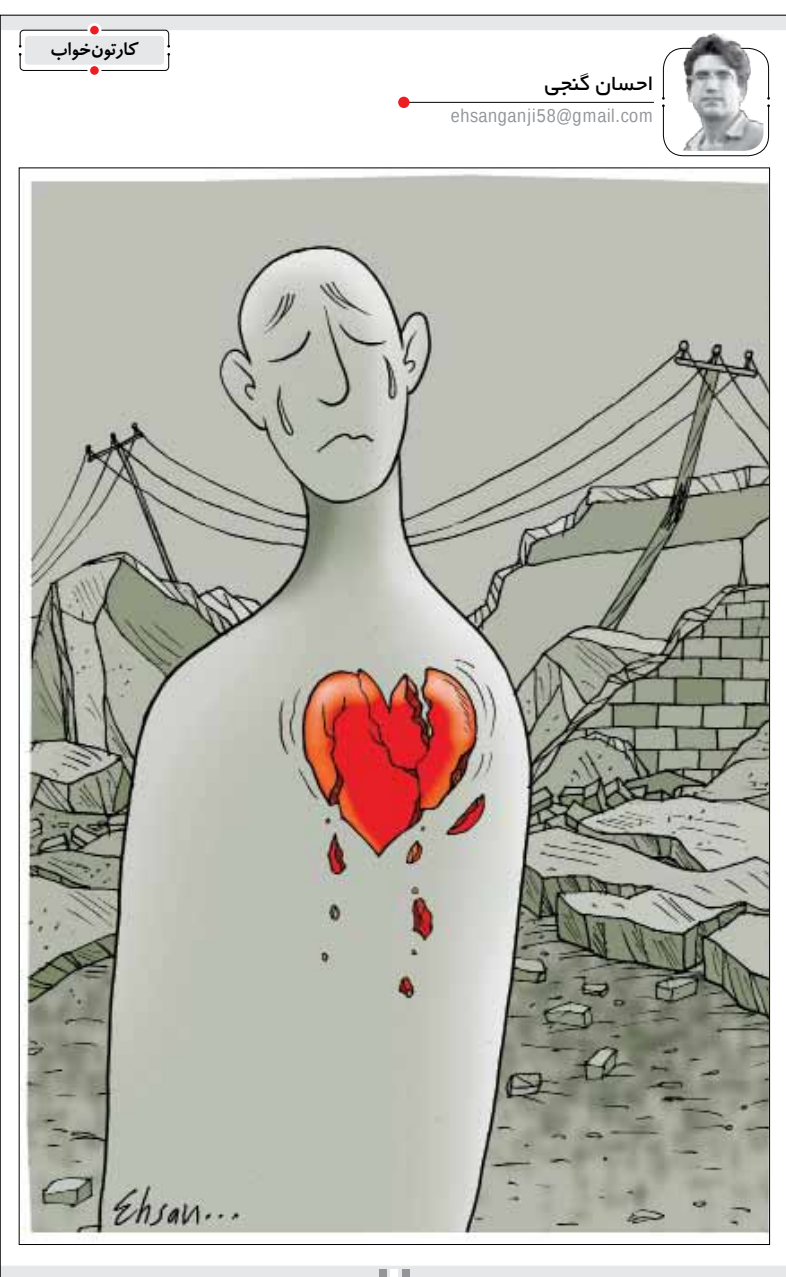
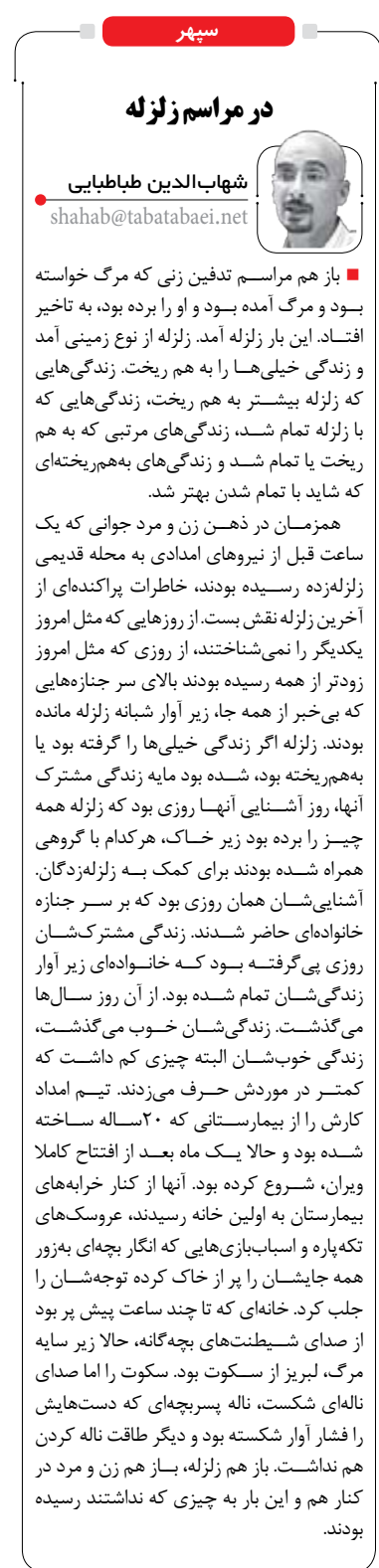


شوق: اصغر فرهادی با ژانرزدگان شمال غرب ایران امروز همدردی کرد. این کارگردان اسکاری سینمای ایران در پیام خود چنین نوشت:

«هم‌میهنان آذری عزیز، امروز مردم بسیاری سوگوار عزیزان از دست رفته شماستند و اندوهگین از غمی که بر شما رفت. شاید همدردی‌ها در برابر این داغ همیشه باقی، ناچیزند اما احساس هم‌دلی و در کنار شما بودن برای ملت است و غنیمت. من نیز سوگوار روح شما هستم و صبوری و آرامش‌تان را ازروزمندم»



فروشگاه مرکزی شهر کتاب میزبان «مرشد محسن میرزاعلی» برای روایت «فخر و جوانمرد قصاب» و سخنرانی دکتر «اردشیر صالح پور» با عنوان «روایت و تصویر به زبان پرده‌های مردی» است.

تاسف‌برانگیزتر و حیرت‌بارتر آنکه فرمان این قتل عام گسترده در زمان برخی از روسای جمهوری آمریکا صادر شد که: از قضا به محبوبیت و شهرت بیشتر خویش در تاریخ امریکا فخر می‌فرمودند؛ رهبرانی چون ایزنهاور و جان اف کندی که شوربختانه، هم برخی از خیابان‌های اصلی پایتخت هم را پیش از پیروزی انقلاب بدنام ننگین‌شان نموده بود!

در صورتی که آنها بی‌شک در شمار بزرگ‌ترین جنایتکارهای جنگی و عاملان نسل‌کشی بشری هستند؛ ددمنشانی که دستور دادند تا متجاوز از ۷۵ میلیون و ۷۰۰ هزار لیتر علف‌کش شیمیایی را برگزداروی جنگ‌های ویتنام، شرق لائوس و بخش‌هایی از کامبوج فرو ریخته شود

و این عمل جنایتکارانه را در بی‌شمار سال‌های ۱۹۶۱ الی ۱۹۷۱) میلادی ادامه دادند. با راستی بین آنها با خون‌ریزانی چون صدام حسین یا پل‌پت یا قصاب بالکان - (اتکو ملادین- فرق چندانی وجود دارد؟

آری هموطن عزیز من!

حقیقت تلخ و سیهایی که این رخداد ننگین موسوم به عملیات نجات فریاد می‌زند، آن است که تنها آن بخش از حقیقت را باید بدانیم، تنها آن تکه‌ای از ددمنشی‌ها را باید به‌خاطر بسپاریم و تنها آن جنایت‌هایی را باید به‌عنوان جنایت محیط‌زیستی یاد کنیم که گرانگه صاحبان قدرت را در جهان امروز ترلاند و متأسفانه آن چیزی که به‌عنوان جریان آزاد اطلاع‌رسانی آن یاد می‌شود، با واقعیتی که باید وجود داشته باشد، فرسنگ‌ها فاصله دارد. به‌عظم، نمایندگان رسمی ایران، زمانی که در مجامع بین‌المللی مرتبط با محیط‌زیست شرکت می‌کنند، باید همواره به یاد چنانچین بیندازند: آنهایی که بیشتر لاف زده و دم از محیط‌زیست در جهان امروز می‌زنند، خود کارنامه سخت‌ننگین و طبیعت‌ستیزانه‌رسانند.

محمد درویش

Darvish100@gmail.com

بی‌شک یکی از مهم‌ترین و احمقانه‌ترین جنگ‌هایی که بشریت در طول نیم قرن اخیر تجربه کرده است، «جنگ ویتنام» بود که سبب مرگ میلیون‌ها انسان، نابودی صدها هزار هکتار از مرغوب‌ترین اراضی کشاورزی، رویشگاه‌های جنگلی، محدوده‌های تالابی و تالاب بی‌پرگشت برخی از مهم‌ترین گونه‌های گیاهی و جانوری در آسیای جنوب‌شرقی، به‌ویژه کشورهای ویتنام، لائوس و کامبوج شد.

از پایان این جنگ، حدود ۴۰ سال می‌گذرد؛ اما اینک آشکار شده است که آثار یکی از مهم‌ترین جنایت‌های رخ داده در آن - موسوم به عامل نارنجی یا Agent Orange - هنوز باقی مانده، آن‌گونه که دولت ایالات متحده آمریکا برای نخستین بار پذیرفته است تا هزینه بهار و جبران این بحران را در محدوده کوچک‌ی از منطقه می‌پردازد اما به راستی مگر می‌شود یک نسخه خطی از یک کتاب یگانه را که در آتش جهالت و آزمندی ما سوخته است، دوباره احیا کرد؟ مگر می‌شود آن ۴۰۰ هزار قربانی این جنایت را زنده کرد یا آن ۷۰۰ هزار نفری را که برای همیشه معلول شدند، سالم کرد یا آدم و زردی که به‌دولیمون انسان دیگری را که همچنان از مغفرت این فرمان مرگبار رنج می‌کنند، کاهش داد؟ و مگر می‌شود تاراج گسترده ژنتیکی، تخریب هزاران هکتار جنگل و نابودی بخش قابل‌توجهی از تنوع زیستی این منطقه را درمان کرد؟ مگر نمی‌بینیم که هنوز آثار ماده سمی و بسیار خطرناک دی‌وکسین در شیر مادران ویتنامی و در خون سربازان آن زمان آمریکایی و در منابع آب و خاک منطقه وجود دارد؟

«سسیم بیاری» پس از وقفه دو ماهه، بار دیگر منتشر شد. عکس جلد و تیتراژ نخست شماره ۲۷ این ماهنامه «سیاسی، فرهنگی» به کودتای ۲۸ مرداد و نقش دربار و طرفدار خارجی در سقوط دولت ملی دکتر محمد مصدق اختصاص دارد که ترکیب «سمفونی شیاطین» برای آن انتخاب

عدم پوشش مناسب اخبار زلزله آذربایجان توسط
سیماهای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان ناشی از
مدافل دو عامل دانست. اولین عامل می‌تواند ناشی از
عدم تسلط بخش‌های خبری صدا و سیما بر مباحث
ارتباطات در بحران باشد؛ حوزه‌ای که در دانش
ارتباطات، جایگاه خاصی و مباحث تخصصی خاص
دارد. در سطح دانشگاهی معتبر دنیا، این تخصص
درس می‌شود و کتاب‌ها و متون مختلفی نیز در
این زمینه وجود دارد. در گذشته نیز بررسی عملکرد
صدا و سیما در شرایط بحرانی نشان داده که این
ناشن در رسانه‌های جامعه ما ضعیف است. البته این
ضعف به دلیل ماهیت تلویزیون در آنجا دارد یا بیشتر
نشان می‌دهد. حافله من درباره زلزله می‌بینم یا می‌شنوم
می‌گویند چند روزی است زلزله سه‌هنگم پنج‌دی ۱۳۸۲
گذشته بود که بررسی وقت خبرگزاری جمهوری اسلامی
ایران (ایرنا) از من دعوت کرد که در جلسه‌ای با حضور
رئیس‌های از خبرنگاران، عملکرد خبری مطبوعات، رادیو و
تلویزیون در این واقعه را بررسی و نقد کنم. از قبل نیز
اعلام آمادگی کردند که تمام اطلاعات مورد نیاز من را
در جلسه‌ای آورده باشند و از احترام قرار دهند. گزارش
جمع‌آوری‌شده قرار نبود در جای منتشر شود. در نظر می‌آید
حافظ‌الله کمک می‌گرفتم و کاملاً به خاطر دارم که
اطلاعات نشان می‌داد تخصص ارتباطات در بحران در
حوزه رسانه‌ها در ایران به‌ویژه در صدا و سیما چقدر
غریب بوده است. مثلاً ازبانی ما این‌ها بود که خط
تسلط صداوسیما از همان لحظه وقوع زلزله و پس از
این، مبتنی بر تحریک عاطفه مخاطبانش، تقریباً به همان
مدت، تحریک عاطفه عداودا، در جهت اعلام دست
است.

www.sharghnewspaper.ir

- 

تلفن : ۰۲۰-۸۸۰۶۴۴۱۹ مدیریت : ۰۹۱۲۱۰۹۲۶۲۷

ن رو